

## استراتژی تهدید عقلایی قدرت‌های بزرگ

سرتیپ دوم جان‌باز بازنشسته دکتر علیرضا سنجابی

در مطالعه و بررسی ادبیات استراتژیک، مشخص می‌شود که پایه و اساس بسیاری از مباحث استراتژیک، بر فرض عقلانیت<sup>(۱)</sup> استوار است. مفهوم عقلانیت را می‌توان فرایند تحلیلی از رابطه بین وسایل و اهداف برشمرد. در این فرایند، انسانی عقلایی رفتار می‌کند که عملکردهای حساب‌شده‌ای برای تحقق هدف موردنظر خود انجام دهد. «گلن اشنایدر» می‌گوید:

«عقلانیت را می‌توان به مثابه انتخاب راه‌کاری دانست که متضمن به‌حداکثر رساندن موقعیت ارزشی یک فرد بر اساس محاسبات دقیق منافع و مضار بالقوه و احتمالات مربوط به عملیات دشمن باشد.»

برخی اوقات شاهد هستیم که افراد به‌ناگاه دستخوش حالاتی چون خشم، انتقام یا ترحم و نوع‌دوستی می‌شوند. بروز این احساسات، باعث می‌شود که قابلیت آنها در گزینش روش‌هایی که موجب به‌حداکثر رساندن ارزش‌های آنهاست، کاهش یابد. بر همین اساس، تصمیم‌گیرندگان مسائل استراتژیک نیز - که خود انسان‌هایی جایز‌الخطا هستند - در شرایط فشار روحی و یا حتی در شرایط عادی، ممکن است رفتاری عقلایی که متضمن تعالی ارزش‌های آنها باشد، از خود بروز ندهند.

بیشتر از چهارقرن پیش از ارائه «نظریه بازی‌ها»<sup>(۱)</sup>، ماکیاولی نمونه بازی «حاصل جمع صفر» را به عنوان مدل مفهوم خود از قدرت به کار برد. او در کتاب شاهزاده می‌گوید: «شاهزاده‌ای که قدرت دیگری را افزایش می‌دهد، در واقع قدرت خود را کم کرده است.» از دهه ۱۹۵۰ «نظریه انتخاب عقلایی»<sup>(۲)</sup> نقش بسیار برجسته‌ای در علوم اقتصادی و سیاسی یافته و مهم‌ترین ابزار آن نیز «نظریه بازی‌ها» بوده است. نظریه بازی‌ها در جایی که وابستگی متقابل استراتژیک وجود دارد برای انتخاب عقلایی به کار گرفته می‌شود. یک نوع بسیار متفاوت از درگیری‌ها میان ملل، بازی‌هایی است که در آنها بازیگران یا دولت‌ها در اقداماتشان - و نه الزاماً روی نتیجه این اقدامات - کنترل عقلایی دارند. بعضی از مدل‌های نظریه بازی‌ها را می‌توان برای این درگیری‌ها به کار گرفت.

بیشتر بازی‌هایی که انسان‌ها برای سرگرمی انجام می‌دهند، به‌طور مختصر و محدود با وضعیت‌های درگیری در روابط واقعی مانند رقابت تجاری، سیاست، دیپلماسی و جنگ شباهت دارند. در هر کدام از این بازی‌ها، هر بازیگر تا زمانی که بازی می‌کند، برپایه بعضی از نتایج که ترجیح می‌دهد، برای خود یک مقیاس سودمندی دارد. هر بازیگر میان اقدامات مختلفی که می‌تواند انجام دهد، یک حدود اختیار. و به‌عنوان نتیجه محتمل هر اقدام که ممکن است برگزیند، یک سری انتظارات دارد. بنابراین برای خوب بازی کردن، بازیگران باید بدانند چه می‌خواهند؟ چه می‌دانند؟ چه نمی‌دانند؟ چه می‌توانند انجام دهند؟ و چه نمی‌توانند انجام دهند؟ آگاهی این بازیگران از حاصل اقداماتشان، دقیق و روشن نیست، زیرا در یک بازی مشخص، نتایج اقدامات یک‌طرف به حرکتی که حریف او اتخاذ می‌کند بستگی دارد. اغلب بازیگران نمی‌دانند حریف آنها چه تصمیم یا برنامه و مقاصد دارد. در رویارویی با این عدم اطمینان، بازیگران باید اقدام خود را بر پایه عقلایی‌ترین حدس یا برآورد، مبتنی بر حداکثر اطلاعات به‌دست آمده، انجام دهند.

هدف بازیگران در طول بازی، برد و یا حداقل نباختن است. به همین علت است که آنها

اقدام‌های منفرد و پی‌درپی را بر می‌گزینند که ما آنها را تاکتیک می‌نامیم. همچنین اقدامات بزرگ‌تر و با فاصله را استراتژی خواهیم خواند، و آن اقدامات تاکتیکی انجام‌شده را به‌عنوان اجزای تشکیل‌دهنده این استراتژی به حساب خواهیم آورد. در این صورت، عقلایی‌ترین استراتژی برای یک بازیکن آن است که با احتمال زیاد، پیروزی یا برد را به‌عنوان نتیجه بازی فراهم آورد و یا با معیاری دیگر، از باخت جلوگیری کند. اگر بتوان نتایج نهایی بازی‌ها را با مقادیر کمی بیان کرد، آن وقت عقلایی‌ترین استراتژی آن است که بردهای خالص را به حداکثر و یا باخت‌های خالص را به حداقل رساند.

بعضی از وضعیت‌های تصمیم‌گیری، در شمول این بازی‌های عقلایی قرار دارند که بیانگر رویارویی دو یا چند تصمیم‌گیرنده است که هر کدام از آنها می‌خواهند در این رویارویی برنده شوند. این وضعیت بازی، در بردارنده دو یا چند رقیب هوشمند است و هر کدام از این رقبا سعی دارند حاصل تصمیم خود را به‌هزینه رقبای خود، بهتر سازند. شرکت‌کنندگان در بازی‌ها، روش‌های ریاضی و عقلایی را به‌منظور توسعه استراتژی‌های لازم برای پیروزی بر رقبا به کار می‌گیرند. مطالعه چگونگی تعیین استراتژی‌های کمال‌مطلوب در این وضعیت‌های رقابت‌آمیز تصمیم‌گیری، موضوع نظریه بازی‌ها است.

در حال حاضر، نظریه بازی‌ها موجب توسعه در «نظریه اقدام دسته‌جمعی»<sup>(۱)</sup> شده است و در مدل‌سازی «بازدارندگی هسته‌ای»<sup>(۲)</sup>، «مسابقات تسلیحاتی»<sup>(۳)</sup>، «خلع سلاح»<sup>(۴)</sup> و سایر پدیده‌های بسیار بااهمیت برای متخصصین روابط بین‌الملل، از نظریه بازی‌ها استفاده گسترده‌ای به عمل آمده است.

با توجه به تعقیب مستمر سیاست‌های سلطه‌جویانه قدرت‌های بزرگ در منطقه ژئواستراتژیک خلیج فارس و حساسیت‌های مربوط به امنیت این آبراه مهم بین‌المللی، این مقاله به معرفی یک مدل بازی، ویژه رویارویی قدرت‌کهنتر در برابر یک قدرت برتر می‌پردازد.

## ● طبقه‌بندی موضوعات نظریه بازی‌ها

یکی از راه‌های کلی طبقه‌بندی موضوعات نظریه بازی‌ها، تعداد تصمیم‌گیرندگان رقیب یا بازیگران در یک بازی می‌باشد که شامل دو دسته طبقه‌بندی، «بازی دو نفره»<sup>(۱)</sup> و «بازی چند نفره»<sup>(۲)</sup> است. راه دیگر طبقه‌بندی بازی‌ها بر اساس کل نتایج کسب شده بازیگران است که بر پایه آن، دو دسته تقسیم‌بندی «بازی حاصل جمع صفر یا حاصل جمع ثابت»<sup>(۳)</sup> و «بازی حاصل جمع متغیر»<sup>(۴)</sup> وجود دارد. سومین گونه طبقه‌بندی بازی‌ها بر اساس استراتژی‌هایی است که بازیگران در جریان بازی اتخاذ می‌کنند. در بعضی از بازی‌ها، استراتژی‌هایی که هر بازیگر اتخاذ می‌کند، بدون در نظر گرفتن استراتژی‌های بازیگر دیگر، همیشه مثل هم است، که به آن «بازی با استراتژی اصیل»<sup>(۵)</sup> گفته می‌شود. این نوعی بازی است که راه حل آن به یک نقطه تعادل یا نقطه موازنه می‌رسد. وقتی یک بازی نقطه تعادل نداشته باشد، بازیگران هر استراتژی را برای درصد معینی از زمان، بازی خواهند کرد که به آن «بازی با استراتژی مرکب»<sup>(۶)</sup> گفته می‌شود. بالاخره موضوعات نظریه بازی‌ها را از نظر وضعیت‌هایی که بازیگران، کم و بیش شرایط مساوی دارند و این بازی‌ها دارای قالب‌های نتایج قرینه‌دار هستند، در مقابل بازی‌هایی که دارای قالب‌های نتایج بدون قرینه برای حریفان با قدرت نابرابر می‌باشند، می‌توان تقسیم‌بندی کرد. نوع قالب بازی ارائه شده در این مقاله در زمره دسته اخیر بازی‌ها است.

## ● بازی تهدید علیه نابرابری<sup>(۷)</sup>

اولین بار در دهه ۱۹۷۰ آناتول راپوپورت و دستیارانش، نوعی جدید از بازی را برای وضعیت‌های نابرابر و برخوردار از قالب‌های بدون قرینه میان قدرت‌های نابرابر معرفی کردند.

۲ - N - Person Game

۱ - Two - Person Game

۴ - Variable - Sum Game

۳ - Zero Or Fixea - Sum Game

۶ - Mixed Strategy Game

۵ - Pure Strategy Game

۷ - Threat Game Against Inequality

این وضعیت‌ها که به کژات در زندگی حقیقی در روابط فردی، گروهی، ملی و بین‌المللی ظاهر می‌شوند، امروز از اهمیت و توجه ویژه‌ای برخوردار شده‌اند.

در یک کشور یا یک کارخانه ممکن است کارگران دست به اعتصاب بزنند. امروز با وجود سندیکاها یا خانه‌های کارگری قدرتمند و تنظیم عقلایی رفتارهای کارگری از سوی آنها، این اعتصابات اغلب از استراتژی‌های معین برای رویارویی با استراتژی‌های مقابل که از سوی دولت‌ها و مدیران صنعتی اعمال می‌شود، برخوردار می‌باشند. به‌طور عقلایی، کارگران با ارزش معینی دست به اعتصاب می‌زنند و همزمان امیدوارند که مدیریت مربوطه را وادار کنند تا سهم بیشتری از سود شرکت یا صنعت مورد نظر را به آنها واگذار کند. این افزایش سهم ممکن است در یک دوره زمانی قابل پیش‌بینی، بیشتر از مزدهای دریافت‌نکرده آنها در طول ایام اعتصاب باشد.

در بازارهای جهانی هم کشورهای در حال توسعه که تأمین‌کننده بعضی از مواد خام اولیه، به ویژه نفت هستند، ممکن است تحت شرایط خاصی در مقابله با قدرت‌های بزرگ سلطه‌گر و بهره‌مند از تجارت جهانی انرژی، از عرضه مواد انحصاری به بازار خودداری کنند و یا با گردش‌های ناگهانی، شرکای تجاری خود را تغییر دهند تا بدین وسیله، قیمت افزایش یابد و سهم بیشتری از ارزش‌های افزوده مواد خام در کشورهای واردکننده صنعتی را دریافت نمایند. چگونگی قالب این نوع بازی برای دو بازیگر با قدرت برتر و کمتر، در وضعیتی که قدرت کمتر از وضع موجود روابط بین‌الملل فی‌مابین ناراضی است و قدرت برتر را به مبارزه عقلایی از طریق اعمال تهدیدات معین، دعوت می‌کند، برابر شکل شماره (۱) نشان داده شده است.

در وضعیت ارائه شده در شکل شماره (۱)، بازیگر «الف» یا قدرت کمتر که به روشنی از وضع موجود خود ناراضی است، ممکن است قدرت برتر یا بازیگر «ب» را با برگزیدن استراتژی تهدید، به جای تسلیم به مبارزه طلبد. اگر بازیگر «الف»، دومین استراتژی خود (تهدید به جای تسلیم) را برگزیند، در هر بازی بر پایه این که بازیگر «ب»، چه نوع استراتژی را اتخاذ کند، ۳۰- یا ۲۰- واحد از منافع خود را از دست خواهد داد. اگر بازیگر «الف»، استراتژی اول خود را که «تسلیم» در برابر وضع موجود است در بازی تعقیب کند و به بازی (الف - ۱) بپردازد

## قدرت برتر «ب»

استراتژی ب - ۱

«تفوق»

استراتژی ب - ۲

«تساهل»

استراتژی الف - ۱

«تسلیم»

قدرت کمتر «الف»

استراتژی الف - ۲

«تهدید»

	+۲۰	*
استراتژی الف - ۱ «تسلیم»	← ————— →	↑ ————— ↓
قدرت کمتر «الف»	*	+۲۰
استراتژی الف - ۲ «تهدید»	-۲۰	-۱۰
	-۳۰	-۲۰

استراتژی متناوب نهایی

تغییرات اولیه استراتژی

\* نتیجه طبیعی یا حداقل حداکثرها: تسلیم / تفوق (۰، +۲۰)

\* نتیجه همکاری: قدرت «الف» استراتژی تسلیم، قدرت «ب» استراتژی تفوق و استراتژی متناوب

جدول شماره (۱)

تساهل (متوسط +۱۰، +۱۰)

تحت تأثیر تفوق بازیگر «ب» چیزی به دست نمی‌آورد و بازیگر منتفع یا قدرت برتر «ب» نیز به وضوح، استراتژی نخست خود یعنی «تفوق» را در بازی دنبال خواهد کرد که بر پایه آن +۲۰ واحد از منافع را در اختیار می‌گیرد. به نظر می‌رسد، به‌طور معقول و منفرد در کوتاه مدت، بازی تحت استراتژی «تسلیم» برای بازیگر «الف»، بهترین بازی باشد، زیرا هر کوششی در اتخاذ استراتژی جایگزین «تهدید»، فوراً منجر به از دست دادن امتیازات بیشتری برای او می‌شود.

اکنون در نظر بگیرید اگر قدرت کمتر «الف»، تغییر استراتژی دهد و با سرکشی و

سرسختی با پیروی از استراتژی «تهدید»، روی بازی (الف-۲) اصرار کند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ در این حالت، قدرت کهنتر، ۳۰ امتیاز در هر بازی از دست خواهد داد، اما در همین حال، قدرت برتر «ب» را نیز به از دست دادن ۲۰ امتیاز تهدید خواهد کرد. در این وضعیت اگر قدرت برتر، استراتژی «تساهل» را در بازی برگزیند، باز هم ۱۰ امتیاز از دست خواهد داد.

وقتی قدرت برتر «ب» دریابد که قدرت کهنتر «الف» نمی‌تواند از سرسختی به ظاهر غیرواقعی دست بردارد، آن وقت منافع این بازیگر او را ترغیب خواهد کرد که با اتخاذ استراتژی جایگزین «تساهل»، به بازی (ب-۲) بپردازد تا از این طریق، کاهش امتیازات خود را به حداقل برساند. با اتخاذ استراتژی «تساهل» از سوی قدرت برتر «ب»، قدرت کهنتر «الف» به استراتژی اول خود یعنی بازی (الف-۱) تحت استراتژی «تسلیم» بازمی‌گردد تا به حفظ امتیاز (+۲۰) به دست آورده بپردازد. در این زمان، قدرت برتر «ب» به نوبه خود با اتخاذ استراتژی «تفوق»، به بازی (ب-۱) باز خواهد گشت تا اینکه بار دیگر امتیاز (+۲۰) را کسب کند.

نتیجه بازی در دور اول (شامل چهار بازی)، برابر حرکت فلش‌های مقطع ترسیم شده در شکل به شرح زیر است:

- بازی در وضعیت «الف-۱/ب-۱» با نتیجه (۰ و +۲۰) ادامه دارد.
- با اتخاذ استراتژی «تهدید» از سوی قدرت کهنتر، به وضعیت «الف-۲/ب-۱» با نتیجه (۳۰- و -۲۰) انتقال می‌یابد.
- با اتخاذ استراتژی «تساهل» از سوی قدرت برتر، به «الف-۲/ب-۲» با نتیجه (۲۰- و -۱۰)، سپس با بازگشت قدرت کهنتر به استراتژی «تسلیم» به وضعیت «الف-۱/ب-۲» با نتیجه (۲۰+ و ۰) به وضعیت اول یعنی همان بازی «الف-۱/ب-۱» و شروع دور دیگر بازی باز خواهد گشت.

نتیجه یک دور بازی عبارت است از ۳۰ امتیاز منفی برای قدرت کهنتر و ۱۰ امتیاز منفی برای قدرت برتر اما دیر یا زود، قدرت برتر در خواهد یافت که به سادگی با حرکات متناوب میان استراتژی‌های «تفوق» و «تساهل»، وضع بهتر خواهد شد و در اثر این استراتژی «متناوب‌نهایی»، بازیگر «الف» همیشه به استراتژی اول خود (یعنی بازی الف-۱) بازمی‌گردد.

بازیگر «الف» در اثر اتخاذ دومین استراتژی خود در دومین بازی، ۲۰+ امتیاز به دست خواهد آورد و بازیگر «ب» نیز در بازی بعد از آن، ۲۰+ امتیاز کسب می‌کند. بدین ترتیب هر دو قدرت، به اصطلاح «برد» خود را به حساب سیستم، استمرار می‌بخشند.

اینجا چه اتفاقی افتاده است؟ کارل دوویچ، وضعیت را چنین تشریح می‌کند:

«... قدرت کهنتر در بلندمدت به یک راهنمای رفتاری معقول دست یافته است. راه حل «الف - ۱/ب - ۱» پستی و کهنتری بازیگر «الف» را همیشگی و ابدی خواهد کرد. در این حال، قدرت کهنتر از طریق تهدید شدید منافع قدرت برتر تحت وضعیت «الف - ۲/ب - ۲» - که با پذیرفتن بهای قابل تحمل، قادر است آن را به اجرا گذارد - توانسته است قدرت برتر را به عقب براند و او را وادار سازد حتی تا نیمی از کل منافع حاصل در وضعیت «الف - ۱/ب - ۱» را به او واگذار کند.»

البته باید توجه داشت که در اغلب بازی‌های واقعی، قدرت برتر و کهنتر در تقسیم امتیازات حاصل از سیستم به نسبت پنجاه/ پنجاه سهم نخواهند شد و این تقسیم با توجه به متغیرهای متعدد اثرگذار در هر شرایط ویژه، به طور معمول سهمی کمتر برای قدرت کهنتر فراهم می‌آورد.

بر طبق این مدل نظریه بازی‌ها، گروه‌ها و ملت‌های زیان‌دیده و ناراضی از وضع موجود که ناشی از رابطه و برتری جویی قدرت‌های بزرگ در مناطق مختلف ژئواستراتژیک است، می‌توانند از چنین تاکتیک‌های تهدید سود ببرند. البته باید محدودیت‌های زیر را نیز در نظر داشته باشند:

**الف)** باید در سیستم، یک ذخیره مثبت وجود داشته باشد که بتواند میان طرف‌های نابرابر، رو در رو تقسیم شود.

**ب)** قدرت برتر باید سهم کافی از این ذخیره مثبت سیستم داشته باشد تا برای او واگذاری بخشی از امتیازات خود به قدرت کهنتر، از ارزش لازم برخوردار باشد.

**پ)** هزینه‌های تهدیدات و کشمکش‌های اتخاذ استراتژی «تهدید» برای بازیگر کهنتر نباید بیشتر از میزان قابل تحمل او باشد و به همین شکل نباید بیشتر از منافع مورد انتظار او پس از موفقیت استراتژی «تهدید» و کشمکش در درازمدت باشد.



## ● تهدید علیه نابرابری در منطقه خلیج فارس

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، هدف بلندمدت ایالات متحده آمریکا به عنوان یک قدرت برتر، علاوه بر تلاش برای سلطه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بر کشورهای جهان سوم، وادار کردن کشورهای اروپایی و ژاپن به پذیرش رهبری بلامنازع خود است. برای مثال، جنگ خلیج فارس تنها هشدار به عراق متجاوز نبود، بلکه هشدار بود به تمام جهان سوم و در عین حال زنگ خطری شد برای ژاپن و آلمان که باید تقریباً تمام انرژی موردنیاز خود را از طریق شرکت‌های آمریکایی - انگلیسی تهیه کنند.

بعد از خروج انگلستان از شرق سوئز و منطقه خلیج فارس در سال ۱۹۷۱، قدرت جایگزین یعنی ایالات متحده آمریکا، در سه مورد از سوی کشورهای این منطقه مورد تهدید قرار گرفته است. به رغم غلبه بر دو تهدید، این کشور بعد از گذشت بیشتر از نوزده سال، همچنان تحت رویارویی مستمر با استراتژی تهدید جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

### ○ تحریم نفتی سال ۱۹۷۳

ملک فیصل یکی از بهترین متحدان آمریکا در کشورهای عربی، نه تنها در تحریم نفتی ۱۹۷۳ علیه آمریکا شرکت کرد، بلکه به طور علنی از برگزاری نماز در قدس شریف سخن می‌گفت. این امر برای سیاست برتری جویانه آمریکا در منطقه - که توسط هنری کسینجر وزیر امور خارجه وقت این کشور برای تقویت اسرائیل به عنوان قدرت غالب بر منطقه در حال اجرا بود - می‌توانست بسیار خطرناک باشد. اما در اندک زمان به علت عدم همکاری سایر قدرت‌های وابسته منطقه و همچنین طرح مسأله اشغال مناطق نفت‌خیز عربستان و کویت توسط نیروهای نظامی آمریکا و ایران با همکاری اسرائیل، و در نهایت قتل ملک فیصل در مارس ۱۹۷۵ به دست برادرزاده خود - که تازه از آمریکا به سعودی بازگشته بود - این تهدید با شکست کامل روبرو شد. در اثر این شکست بود که چند ماه بعد یعنی در سپتامبر ۱۹۷۵، محمد انور سادات رییس جمهور مصر با اسرائیل در مورد خروج نیروهای این کشور از بخش محدودی از صحرای سینا به توافق رسید و در نهایت در سال ۱۹۷۸، موافقتنامه کمپ دیوید به امضا رسید.

### ○ اشغال نظامی کویت در سال ۱۹۹۰

اگر معتقد به «نظریه توطئه» در تهاجم عراق در دوم آگوست ۱۹۹۰ نباشیم، باید پذیرفت که این اقدام تجاوزکارانه عراق، تهدید شدیدی علیه منافع غرب به ویژه ایالات متحده آمریکا در منطقه خلیج فارس بود. این تهدید چنان جدی تلقی شده بود که با توجه به هزینه‌های قابل پیش‌بینی در همه جنبه‌های یک درگیری بزرگ نظامی، آمریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای و جهانی او در مقطع معینی، آماده رهاساختن استراتژی برتری و اتخاذ استراتژی «تساهل» بودند. حتی این آمادگی وجود داشت که کشورهای عربی منطقه با واگذاری بخشی از منافع نفتی منطقه «رومیله» و سایر امتیازات اقتصادی و سرزمینی، عراق را به خروج از کویت ترغیب نمایند. در این صورت عراق می‌توانست حاصل استراتژی «تهدید» خود را از حساب سیستم منطقه به دست آورد، ولی دستگاه رهبری عراق که به طور یقین بدون تدوین یک استراتژی جامع، اقدام به «تهدید» قدرت برتر کرده بود، با سماجت بیجا در رفتار نابهنجار بین‌المللی خویش، موجب دخالت نظامی نیروهای متحد به رهبری ایالات متحده آمریکا در منطقه و شکست نظامی همه جانبه خود شد و به دنبال آن، تحت کنترل و نظارت بین‌المللی در درازمدت قرار گرفت.

### ○ تهدید مستمر قدرت برتر از سوی جمهوری اسلامی ایران

با اوج‌گیری انقلاب اسلامی، ستون اصلی برتری ایالات متحده آمریکا و برقراری امنیت مورد نظر این کشور در منطقه ژئواستراتژیک خلیج فارس متزلزل شد و با استقرار نظام اسلامی در ایران، این ستون به طور کامل فرو ریخت و حلقه‌ای از زنجیره دفاعی غرب در مقابل نفوذ کمونیسم که اولین حلقه آن از اروپای غربی و شمال مدیترانه شروع و به منتهی‌الیه جناح شرقی ناتو در ترکیه ختم می‌شد و از طریق ایران و پاکستان به جنوب شرقی آسیا (حوزه پیمان سیتو) منتهی می‌گردید، گسسته شد.

آن چه که به کارگیری مستقیم نیروهای نظامی آمریکا را به عنوان ابزار سلطه و عامل اصلی برقراری امنیت در منطقه خلیج فارس ضروری ساخت، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود. این انقلاب، توان مدیریت بحران را از دست دو ابرقدرت و دیگر قدرت‌های بزرگ خارج کرد و منافع غاصبانه آنها را در منطقه به طور جدی تهدید نمود. با تعیین روز جهانی

قدس و مخالفت نظری و عملی با روش صلح خاورمیانه، رویارویی با بنیادی‌ترین اصل سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا به طور مستمر ادامه دارد. از این رو به‌رغم فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و یک قطبی بودن جهان - حداقل در ابعاد سیاسی و نظامی - تلاش‌های تضعیف‌کننده غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران را می‌توان توجیه کرد.

این موضوع که چرا ایالات متحده آمریکا تاکنون در برابر تهدید منافع حیاتی خود در منطقه، با وجود امکان بهره‌برداری از مزایای واکنش سریع نیروهای نظامی خود برای مقابله با استراتژی «تهدید» مستمر جمهوری اسلامی ایران، عملاً اقدامی ننموده است، حاصل این واقعیت است که بعید به نظر می‌رسد بار دیگر این کشور بتواند مشروعیت و شرایط مساعد دخالت گسترده در منطقه را بیابد، به ویژه آن‌که، رویارویی نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس با جمهوری اسلامی ایران، نتیجه حاصل از رویارویی با عراق را به طور قطع تضمین نخواهد کرد. اما اینکه چرا ایالات متحده آمریکا در مقابل تهدید مستمر ایران، از استراتژی «تساهل» و نهایتاً از استراتژی نهایی مناسب استفاده نکرده است، به تحقیق و مطابحه در جزئیات بشمار نیاز دارد. با این حال می‌توان وابستگی شدید کشورهای عرب منطقه، ظرفیت بالای ذخیره مثبت برای ادامه استراتژی تفوق به هزینه سیستم و تفاوت‌های عمیق و ریشه‌ای هنجارهای بشمار میان جمهوری اسلامی ایران با کشورهای منطقه و قدرت برتر را مهمترین عوامل آن دانست.

اکنون شواهد متعددی در دست است که به دنبال ناکامی دستگاه رهبری ایالات متحده آمریکا در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران در دوره حکومت دمکرات‌ها در بدو پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سه دوره حکومت جمهوری خواهان و به دنبال آن حکومت مجدد دمکرات‌ها، این درک برای سیاستمداران آمریکا به وجود آمده باشد که راه عقلایی در برابر تهدیدات جمهوری اسلامی، اتخاذ استراتژی «تساهل» است. در صورت اتخاذ این استراتژی، گام‌های استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در بهره‌گیری از حاصل استراتژی تهدید، علیه نابرابری خود و جبران هزینه‌های پرداختی و کسب منافع بیشتر در درازمدت، جایگاه رفیع کشور را در روابط نابرابر بین‌الملل تضمین خواهد کرد. بدیهی است که در انجام

این مهم، جلب همکاری‌های منطقه‌ای در جهت کاهش وابستگی کشورهای عرب به قدرت‌های خارج از منطقه می‌تواند منابع عظیم منطقه را به سود ملت‌های آن، به پیشگامی جمهوری اسلامی ایران حفظ نماید.

### ● فهرست منابع و مأخذ:

۱. G.H.Snyder, Deterrence And Defence, (Princeton, N.J., Princeton univer Sity Press , 1961), P.25.
۲. سنجابی علیرضا، استراتژی و قدرت نظامی، تهران، انتشارات پاژنگ، ۱۳۷۵، فصل یکم.
۳. Karil W. Deutsch, The Analysis Of International Relations ,Thrid ed., (N.J.Prentice - Hall Inc , 1988), P.144.
۴. برای آگاهی بیشتر در مورد کاربرد نظریه عقلایی در علوم اقتصادی و سیاسی نگاه کنید به:
  - Beck M. Lewis , Economics And Elections: The Major Wester Democracies, (Am Arbor, Mich: Univer Sity Of Michigan Press , 1990), ch.2.
  - M. Laver, And N. Schofield, Multiparty Government: The Politics Of Coalition In Europe, (Cambridge: Cambridge University Press, 1990).
  - 5- Karl W. Deutsch, Op. Cit , P. 143.
  - 6- M. Talor, The Possibility Of Cooperation, (Cambridge: Cambridge University Press, 1987).
  - 7- M. Nicholson, Formal Theories In International Relations, (Cambridge: Cambridge University Press, 1989).
  - 8- Anatol Rapoport, et al., The Two X Two Game, (Ann Arbor , Mich: University Of Michigan Press , 1976), ch.1
  - 9- Ibid.
  - 10- Karl W. Deutsch, Op. Cit , P. 156.
  - 11- Ibid
  ۱۲. الهی همایون، خلیج فارس و مسائل آن، تهران، نشر قوس، ۱۳۶۸، صص ۹۹-۱۰۸.
  ۱۳. سنجابی علیرضا، همان، ص ۱۰۴.
  ۱۴. برای آگاهی بیشتر در مورد «نظریه انتخاب عقلایی» نگاه کنید به:
    - Science Political In Methods And Theory , Stoker Gorry And Marsh David (Londan, Macmilan Press LTD, 1995).ch.4.